

بررسی تطبیقی حس دلبستگی مکان در نمادهای شهری دوره اصفهانی و مدرن؛ نمونه موردی میدان آزادی و میدان نقش جهان

حمیدرضا صارمی^{۱*}، حسام معروفی^۲

۱- استادیار گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران

۲- دانشجوی دکتری معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد، ایران

saremi@modares.ac.ir

چکیده

با گسترش و توسعه شهرها، احداث نمادهای شهری به عنوان شاخصه ای برای معرفی محیط و فرهنگ روندی رو به رشد داشته است. نمادهای شهری علاوه بر ابعاد محیطی و کالبدی، در ایجاد خاطرات جمعی و فردی اشخاص نیز نقش مهمی دارند به نحوی که اغلب، شهرهای مختلف را با نماد آن می‌شناسند. در این پژوهش شهر تهران، به عنوان پایتخت سیاسی و شهر اصفهان به عنوان پایتخت فرهنگی ایران مناسب‌ترین گزینه بمنظور مقایسه حس دلبستگی مکان مورد مطالعه قرار گرفته اند. از این رو با هدف، شناسایی و تعیین اولویت‌بندی عوامل ایجاد کننده حس دلبستگی مکان به مقایسه تطبیقی این حس در میدان نقش جهان و میدان آزادی پرداخته و در صدد پاسخ به این پرسش است که مهمترین عامل در ایجاد حس دلبستگی در نمادهای شهری چیست و در ادامه تأثیر مؤلفه های موثر بر حس دلبستگی مکان که باعث اصالت بخشیدن به نماد های شهری می شوند را در فرضیه خود طرح کرده است. روش تحقیق این مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و در گردآوری اطلاعات از شیوه مرور متون، منابع و اسناد تصویری در بستر مطالعات کتابخانه ای و ابزار پرسشنامه بهره برده است و سپس با استفاده از نرم افزار spss و آزمون anova و Kendall's tau_b و Spearman's rho به تحلیل می‌پردازد. در نهایت نتایج پژوهش بیانگر تفاوت عوامل موثر در دلبستگی در دو دوره تاریخی در این میادین شهری است، بطوریکه در میدان نقش جهان مهمترین عامل در ایجاد این حس معیار عزت نفس بوده و در میدان آزادی تداوم بیشترین تاثیر را در ایجاد دلبستگی به مکان داشته است.

کلمات کلیدی: دلبستگی به مکان، نمادهای شهری، دوره مدرن، دوره اصفهانی

مقدمه

وجود فضاهای شهری کسالت آور و بی کیفیت و غیر انسانی همچنان در قسمت های مختلف شهر دیده می شود. که می تواند باعث حذف سرزندگی فضایی و پویایی بخشهای مختلف شهر گردد. امروزه به دلیل توسعه نامناسب، تضعیف حس مکان و دلبستگی به آن موجب تغییر در احساس و تصور مردم از مکان شده است. در اغلب موارد تغییرات در محیط فیزیکی، نوع کاربری و فعالیت ها، موجب از بین رفتن ارزشها و معنا ها شده است مخصوصا برای کسانی که مدت طولانی به یک محیط وابسته شده اند (سجاد زاده، ۱۳۹۲: ۷۰). که این امر را می توان در امروز بیشتر از گذشته احساس نمود. نیاز انسان به تعامل عاطفی، شناختی و رفتاری با مکانی که در آن زندگی می کند یا به عبارتی دلبستگی به مکان از جمله مهم ترین ابعاد انسان و مکان است که باید در توجه معماران، طراحان، برنامه ریزان شهری قرار بگیرد (پیر بابایی، قره بگلو، علی نام، ۱۳۹۴: ۴۷). استفاده از محیط های عمومی تجربه ای است که برای همه افراد نیست و متغیر هایی نظیر سن، جنس، گروههای اجتماعی و اقلیت های قومی و نژادی بر چگونگی درک زندگی شهری اثر می گذارد (خدایی، رفیعیان، داداشپور، ۱۳۹۴: ۳۴). حس دلبستگی به مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط